

۱۵۲۲۵۶۴
۱۳۹۶، ۲، ۱۱

شکجه

دریاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد

و شورای اروپا

سید عباس موسوی

رئیس دادگاه تجدیدنظر

بادیباچه

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

شکجه
داد

سرشناسه	موسوی، سیدعباس، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا/ مولف سیدعباس موسوی؛ با دیباچه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: دادگستر، ۱۳۹۶.
مشخصات نشر	۵۰۲ ص.
مشخصات ظاهری	چاپ قبلی: خط سوم، ۱۳۸۲ (۲۸۰ ص.).
یادداشت	۴۰۰۰۰۰ ریال: ۱۰۶۵-۲۸۲-۹۷۸۶۰۰
شابک	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی	شکنجه و آزار (حقوق بین‌الملل)
موضوع	<i>Torture (International law)</i>
موضوع	شکنجه و آزار
موضوع	<i>Torture</i>
موضوع	شکنجه و آزار — ایران
موضوع	<i>Torture—Iran</i>
موضوع	آیین دادرسی جزایی — ایران
موضوع	<i>Criminal procedure — Iran</i>
موضوع	حقوق تطبیقی
موضوع	<i>Comparative law</i>
شناسه افزودن	نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۳۱- مقدمه‌نویس
رده‌بندی دیوینی	۲۴۱/۴۸۰
رده‌بندی کنگره	۱۶۰ / ۸۱ / ۵۴۱۰ K
شماره کتابشناسی ملی	۱۶۹۱

شکنجه، در سیاست جنایی ایران

سازمان ملل متحد و شورای اروپا

مولف: سیدعباس موسوی

رئیس دادگاه تجدید نظر

ناشر: انتشارات دادگستر

چاپ اول: شهریور ۱۳۹۶

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۱۰۶۵-۲۸۲-۹۷۸۶۰۰

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر دادگستر محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز،

ابتدای خیابان فلسطین، کوچه شهید زاکری، بن بست سوم، پلاک ۶

تلفن ۸۸۹۰۴۴۶۵ - ۸۸۹۰۵۴۶۰ فکس ۸۸۹۱۰۳۳۳

کدپستی: ۱۴۱۶۷۵۳۶۸۱

آدرس سایت: www.dadgostarpub.ir

«دیباچه»

از کیفر تا شکنج

امروزه «بزهکاری دولت» و «دولت بزهکار» یکی از فصل‌های عمده را در مطالعات جرم‌شناسی به خود اختصاص داده است. ولی همچنان در جوامع گوناگون، بسته به نظام و بستر سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه، میزان تعمیق و حتی امکان این مطالعات متفاوت است. از دیرباز، حتی طرح مباحث چون جرایم دولتی و علت‌شناسی آنها در برخی نظام‌های سیاسی تقریباً غیرقابل تصور می‌نموده؛ و تازه در نظام‌های اقتدارگرا و اقتدارگرای فراگیر که در آنها آزادی فدای قدرت می‌شود، و کیش شخصیت و سیاست مرید و مراد حاکم است، اصل شفافیت در اداره کشور اصی استایو است. بقای نظام سیاسی به هر قیمتی یک اصل بوده و برای این هدف کاربرد هر نوع وسیله‌ای موجه است، جامعه مدنی فقط تکالیف دارد و نه حقوق، رویکرد به مقوله مردم و حقوق آنها کاملاً شعاری، سطحی و ابزاری است و... ولی با فروپاشی نظام‌های ایدئولوژیک اروپایی - مشهور به بلوک شرق - در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و متعاقب آن، با مطالعات آزاد جرم‌شناسان، انواع جرایمی را که یک دولت «نامردم‌سالار» می‌تواند به نام و برای حفظ ایدئولوژی حاکم مرتکب شود، آشکار شد.

از همه مهم تر، ما امروز شاهد بارقه‌های نویدبخشی در پرداختن به این نوع مطالعات و نیز بررسی خصوصیات جرایم ارتكابی افراد نیز در چنین دولتی هستیم.^۱

به طور کلی، علت بزهکاری دولت در سوء استفاده و سوء تعبیر از امکانات و اختیاراتی خلاصه می شود که معمولاً برای دولت‌ها در نظر گرفته می شوند. این امکانات و اختیارات عبارتند از: ۱. صلاحیت انحصاری دولت‌ها در اعمال کیفر و به طور کلی دولتی بودن حق تنبیه و مجازات (خشونت مشروع)^۲؛ ۲. صلاحیت انحصاری دولت‌ها در مقوله منع قوانین کیفری، تعریف جرم و جرم‌انگاری و تعریف و تعیین کیفر؛^۳ مدیریت انحصاری دولت‌ها بر نهادهای وابسته به عدالت کیفری (پلیس، دادگستری، زندان‌ها و...) و به طور کلی دولتی بودن سیاست‌گذاری در قلمرو سیاست جنایی؛^۴ موقعیت غالب و مدیریت دولت‌ها در مشروعیت‌بخشی و مخفی‌نمایی جرایم ارتكابی خود.

با در نظر داشتن دلایل فوق و در یک طبقه‌بندی کلی، اعمال بزهکارانه دولتی را به ۴ گروه تقسیم کرده‌اند:^{۱۳} ۱. اعمال مجرمانه سیاسی از قبیل دستکاری در فرایند انتخابات، میزبانی (سانسور) و ارباب؛ ۲. اعمال مجرمانه اقتصادی از قبیل نقض مقررات بهداشتی، انحصارگرایی در اقتصاد و بانای و همکاری غیرقانونی با شرکت‌های چند ملیتی، رانت‌خواری؛ ۳. اعمال مجرمانه اجتماعی و فرهنگی مانند - بیض نژادی نهادی و تخریب میراث فرهنگی و تاریخی؛ ۴. اعمال مجرمانه امنیتی - پلیسی و قضایی - که شدیدترین نوع بزهکاری دولت‌ها در حقوق داخلی و بین‌المللی محسوب می شود - مانند کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید)، پاکسازی نژادی و قومی، ناپدیدسازی افراد تروریسم، شکنجه و...

۱. ر.ک. گنس (ریموند)، جرم‌شناسی نظری. ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا. انتشارات مجد، ۱۳۷۴، ص ۴۰ و بعد
 ۲. در این مورد ر.ک: طاهری نجد (محمدعلی)، جایگاه خشونت در حقوق کیفری. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، پاییز ۱۳۸۱.

3. E. McLaughlin & J. Muncie (Compiled and edited by), The Sage Dictionary of Criminology, Sage Publications, 2001, p. 290.

شکنجه از جمله شدیدترین این جرایم است که در دهه‌های اخیر هم در حقوق داخلی بسیاری از کشورها و هم در حقوق بین‌الملل (حقوق جهانی و منطقه‌ای) جرم‌انگاری شده و از دسته جرایم علیه کرامت و مقام انسانی - «جرایم حقوق بشری» - قلمداد می‌شود. شکنجه از یک سوء، به عنوان کیفر و از سوی دیگر، برای کسب اطلاعات و اقرار و جمع‌آوری دلایل، ... ابزاری است برای حکومت کردن در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و اقتدارگرای فراگیر که توسط نهادهای امنیتی، پلیسی، شبه پلیسی، شبه نظامی، نهاد های «نامرئی - غیررسمی» امنیتی و حتی دستگاه قضایی آنها به کار گرفته شده و می‌شود.

به کارگیر، این ابزار، در چنین نظام‌هایی برای این که فرهنگ ترور و وحشت مستقر شده و سکوت مرگ بر بر همه محیط‌ها سایه افکند، نهادینه شده و حتی مشروعیت می‌یابد و به عنوان شیوه غالب کنترل اجتماعی هرگونه رفتار مخالفت‌آمیز با ایدئولوژی حاکم، در اولویت قرار داده می‌شود. از آن -ا که توسل به شکنجه دلایل مختلف دیگری نیز دارد، نمودهای عملی و به عبارت دیگر عنصر مادی آن نیز اشکال متنوعی به خود می‌گیرد و حتی با نام مجازات نسبت به افکار ارجح می‌شود، به طوری که مرز میان شکنجه (خسونت نامشروع) و کیفر (خسونت مشروع) تا اندازه زیادی روشنی و صراحت خود را از دست می‌دهد.

اگرچه شکنجه در حقوق ایران، از سال ۱۳۵۸ در اصل ۱۸ قانون اساسی و نیز از سال ۱۳۶۲ ابتدا در مواد ۵۸، ۵۹ و ۶۲ قانون تعزیرات و سپس در سال ۱۳۷۵ در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ممنوع و جرم‌انگاری شده، ولی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چند سال اخیر و در نتیجه باز شدن نسبی فضای سیاسی بود که زمینه بحث را درباره جرم شکنجه و نمودهای عملی آن، از حالت «تابو» خارج ساخت و تا اندازه‌ای عمومی کرد. بدین گونه نقائص و خلاهای تقنینی - قضایی ایران در زمینه جرم‌انگاری شکنجه و پیشگیری از آن و نیز صورت‌های ممکن حمایت از

شکنجه‌شدگان مورد بررسی قرار گرفت. در همین چارچوب بود که طرح اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی (طرح منع شکنجه) توسط عده‌ای از نمایندگان موسوم به «اصلاح طلب» تهیه و به مجلس ارائه شد و بحث الحاق ایران به کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی مصوب ۱۹۸۴ در مجلس شورای اسلامی، نهادهای حقوق بشری و دانشکده‌های حقوق مطرح شده و موضوع پژوهش قرار گرفت. جامعه مدنی نیز از طریق سازمان‌های غیردولتی حمایت از قربانیان خشونت و قربانیان محض حقوق بشر و سوء استفاده از قدرت حاکمان، ابراز وجود کرده و فعال شد، هیأت نظارت، پیگیری اجرای قانون اساسی - در اجرای اصل ۱۱۳ به دستور ریاست جمهور، تشکیک دید و استادان و دانشجویان حقوق نیز، به نوبه خود، مقالات، کتاب‌ها و پای‌نامه‌های تحلیلی چندی را به مطالعه جنبه‌های کیفری، حقوق بشری، روانی، جسمانی، پلیس و تحسین شکنجه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی اختصاص دادند.

اثر حاضر، شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، از جمله همین آثار است که نخست به عنوان پایان‌نامه تحلیلی برای اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهیه، تنظیم و به دست تحریر درآمد و با کسب درجه عالی پذیرفته شد. نویسنده پژوهشگر و نکته‌سنج این کتاب با استفاده از دانش حقوقی و تجربه قضایی خود، شکنجه و همچنین تفکیک آن را از کیفر مشروع قانونی، نه تنها در حقوق کیفری ایران، بلکه با یک رویکرد مقایسه‌ای در حقوق بین‌الملل (اسناد سازمان ملل متحد) و حقوق اروپا نمونه‌ای از حقوق منطقه‌ای (اسناد شورای اروپا) بررسی کرده و در پرتو این مطالعه، خلاهای تقنینی - قضایی حقوق ایران را در قلمرو جرم‌انگاری شکنجه و راه‌های مؤثر مقابله با آن متذکر شده است، که این خود از ویژگی‌های ممتاز اثری است که هم‌اکنون پیش روی دارید.

از جناب آقای موسوی که بانگارش این اثر به نوبه خود ادبیات فارسی را در زمینه علوم

جنایی غنی کرده است، سپاسگزاری می‌کنم و روحیه علمی، پژوهشگری و ذهنیت نقاد ایشان - و مخصوصاً تقوا و امانت‌داری ایشان را که در این اثر نمود یافته - ارج می‌نهم. امید است اثر حاضر، از یک سو در بازنگری قوانین موجود و سیاست قضایی کنونی در قبال پیشگیری و سرکوبی مؤثر شکنجه و نیز ایجاد سازوکارهای حمایتی مادی، معنوی، روانی و عاطفی بزه‌دیدگان جرم شکنجه مفید واقع شود، و از سوی دیگر، محورهای مطالعاتی جدیدی را - مانند مطالعه بزه‌دیدگان و قربانیان شکنجه، مطالعه جرم‌شناختی کارگزاران و مأموران شکنجه و مطالعه ویژگی‌های دولت‌های «شکنجه‌مدار» در آغاز هزاره سوم ... - به روی پژوهشگران و دانشجویان حقوق بگشاید.

ع.ح. بحی ابرمدانی

تهران ۱۶ اسفند ۱۳۸۱ هجری قمری - مورسندی

www.ketab.ir

مقدمه

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱

سپس و ستایش بیکران بخشش آیتی را سزاست که به ما موهبت نعمت زندگی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، قوه درک و حس را آموختیم هم نوعان، عزت و کرامت انسانی، ارزانی داشته است.

حقوق بشر، دانش نوپایی است که در مسیر تحول و تکامل فراز و فرود زیادی داشته است. اعتبار این رشته، طرح و بررسی امتیازات گوناگون انسانی و تدارک سازوکار صیانت از آن است. انسان موضوع حقوق بشر به‌عنوان گوهر حلقه و اشرف کاینات، مصائب فراوانی را تحمل کرده تا جایگاه واقعی خود را بیابد و حقوق خود را معرفی کند.

با نگاهی به تاریخ زندگانی بشر صحنه‌های تلخ تجاوز به حقوق و کرامت وی به‌روشنی دیده می‌شود. در میان اشکال مختلف تجاوز «شکنجه»^۲ و «سوء رفتار»^۳

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۰.

مشاهده می‌شود که آسیب‌شدیدی به حیثیت ذاتی و «کرامت انسانی»^۱ آدمیان وارد ساخته است.

در رشته حقوق که رسالت تعریف و پرداختن به امتیازات قانونی و مشروع شهروندان و آثار قانونی تعرض به آن را بر عهده دارد، انتخاب شکنجه به عنوان «جنایتی ضد بشری»^۲ و تشریح ابعاد حقوقی آن اهمیت فراوانی دارد.

امروزه توجه به مضامین حقوق بشری از سوی نهادها و مراجع رسمی با اقبال گسترده جهانیان روبه‌رو شده است، زیرا احساسات عمومی در نیم قرن اخیر صحنه‌های بسیار تازی را مشاهده و تحمل نموده که در آن حقوق ذاتی و ارزش‌های انسانی به مسلخ رفته‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم که بی‌رحمانه‌ترین جنایات را بر صفحه تاریخ ثبت نمود، فکر تأسیس نهادی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قوت گرفت و نهادهایی چون سازمان ملل متحد، ارکان آن ظهور یافتند. به علاوه، در مناطقی از دنیا نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر، پدید می‌آیند که از جمله مهم‌ترین آنها شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشد. اما مورد سیاست جنایی منطقه‌ای کافی است که به کمیته اروپایی مسائل جنایی اشاره کنیم که در واقع ارگان برنامه‌ریز و سیاست‌گذار در قلمرو سیاست جنایی شورای اروپا برای بیش از ۴۵ عضو این شورا است.^۳

با وجود ظهور این نهادها، چهره منحوس جنایتکاران و دبشريت از صحنه گیتی زدوده نشد و هنوز چند صباحی از جنگ خانمان‌سوز جهانی نگذشت بود که در مناطق متعدد صحنه‌های فجیع جنایت علیه مردم به‌ویژه به مباشرت حکام استبدادی ضد مردمی رقم خورد.

شکنجه در بطن این جنایات قرار داشت و هنوز هم به‌رغم توسعه فعالیت‌های نهادهایی بی‌شمار، هم‌سویی افکار عمومی با فعالین حقوق بشری، انعکاس جنایات

1. Human dignity

2. Crime against humanity

۳. دکتر علی حسین نجفی ابرنوبادی، جایگاه جرم‌شناسی در ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، سال ۱۳۷۶، صص ۲۱ و بعد.

ضد بشری در فضای مجازی و تهیج افکار جهانی علیه مروجین خشونت و تعرفه نهاد‌های جدید در عرصه فعالیت‌های حقوق بشری، توسل به شکنجه، تحقیر، اذواء و آزار متهم، شایع است.

بررسی سیر زندگانی شکنجه و جرم‌انگاری آن و واکنش مناسب علیه این پدیده خدمت کوچکی است به قربانیان این پدیده شوم و همین‌طور اعطای انگیزه و همراهی با آنان که با شجاعت گام به عرصه مبارزه علیه این جنایت گذاشته‌اند.

تردید نیست که افکار عمومی تشنه مباحثی است که در وضع فعلی جامعه جهانی عواید نمر خشی درخصوص حقوق و آزادی‌های مشروع بشری داشته باشد. جامعه جهانی هنوز هم در تعارض به حیثیت و حقوق ذاتی افراد در نقاط مختلف دنیا رنج می‌برد. اهمیت این امر ناشی از روشن‌تر می‌شود که می‌بینیم در تعریف شکنجه و رفتار مبین آن اجماع نظری وجود ندارد. و تاکنون برداشت مشابهی از آن از سوی قانونگذاران و حقوق‌دانان به دست نیامده است. پژوهش در این زمینه و ارائه پاسخ‌های مناسب آن در نفی یا تضعیف خشونت می‌تواند اثر بسزایی داشته باشد.

به‌علاوه می‌دانیم که سال‌هاست مجامع حقوق بشری دولت جمهوری اسلامی ایران را «به حق یا ناحق» به نقض حقوق بشر و از جمله به کارگیری شکنجه در مراحل مختلف فرآیند دادرسی کیفری متهم می‌سازند. کنجکاوی نگارنده نسبت به این ادعاهای مجامع بین‌المللی و نیز بررسی ضریب پایبندی نظام تقنینی - قضایی به منشور بین‌المللی حقوق بشر، عامل دیگری در گرایش به انتخاب این موضوع بوده است. همین‌طور، با توجه به نقش تأثیرگذار سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین نهاد رسمی بین‌المللی در ترسیم خط‌مشی مبارزه با جنایات ضدبشری و امتیاز خاص شورای اروپا به عنوان تنها نهاد منطقه‌ای که یک مرجع قضایی با پیشینه‌ای قدیمی و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد، سبب شد در کنار حقوق ایران، اسناد و معاهدات و رویه‌های این دو نهاد نیز مورد بررسی و مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

ایران به عنوان یکی از کشورهای بنیان‌گذار سازمان ملل متحد و ایفاکننده نقش در تدوین منشور بین‌المللی حقوق بشر و نیز به عنوان کشوری با سابقه کهن فرهنگی و شناسنامه مدنیت، تعامل منطقی در مناسبات حقوقی با نهاد مزبور و شورای اروپا داشته است. تحقیق حاضر می‌تواند روزه‌ای به این تعامل ایجاد کند.

در بحث شکنجه نخستین پرسش در مورد تعریف آن است. تعریف یک پدیده تصویر و نمایه موضوع و ساختار منطقی آن است. وانگهی، در قالب پرسمان این بحث، این سوالات مطرح می‌شود که چه رفتاری حکم شکنجه را داشته و آثار و نتایج قانونی آن را متبل می‌شود؟ رویکرد محافل مختلف سیاسی و حقوقی در این زمینه چه می‌باشد؟ آیا شکنجه، رایند نوعی دادرسی ناعادلانه و غیر منطقی است؟ یا اینکه قلمرو وسیع‌تری داشته و در خارج از سخت‌افزار اعمال دادرسی بروز می‌یابد؟ به عبارت دیگر آیا شکنجه معدن نظام قضایی است یا اینکه مراکز خارج از این نظام نیز می‌تواند بستر مناسبی برای زایش این بوم تولید کند؟ در تعامل با پدیده‌های سورفتاری چون شکنجه مناسب‌ترین پاسخ چیست؟ شکنجه‌گر و فرد تحت شکنجه از چه نوع شخصیتی برخوردار است، بعد از شکنجه این شخصیت در چه جهتی متحول می‌شود و چه محدودیتی در این خصوص وارد می‌شود؟ آیا مجازات‌های قانونی در قوانین حکومت‌های ملی هر چند خشن و غیرانسانی مشمول تعریف حقوقی شکنجه است؟ نسبت بین این مجازات‌های خشن، تزدیلی و بیرحمانه با شکنجه چیست؟ و همین‌طور دولت‌ها در زمینه پیشگیری و مقابله با شکنجه و اعاده حیثیت منضر از آن چه وظایفی دارند؟ وجوه اشتراک و افتراق در زمینه‌های مطرح شده بین دیدگاه قانونگذار ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا چیست؟ و سرانجام جنبش جهانی مبارزه با شکنجه را چه نهادهایی هدایت می‌کنند؟ ساختار و رویه این نهادها به چه شکلی است؟

مطالعه متون قانونی و اسناد و معاهدات بین‌المللی (منطقه‌ای - جهانی) مناسب‌ترین روش در نیل به اهداف تحقیق حاضر است. در طول سده بیستم، اسناد بین‌المللی

متعددی در زمینه موضوعات مختلف حقوق بشری تنظیم یافت که داده‌های حاصل از آنها به فهم شقوق مختلف تجاوز به حقوق بشر و سازوکار کنترل آن می‌انجامد. در حقیقت در پرتو این اسناد معتبر در نیم قرن اخیر پایه‌های علمی دانش حقوق بشر قوام یافت. لذا امعان نظر به این اسناد و شکل تعامل آن با قوانین داخلی دولتی‌های ذی‌نفع، اساس کار تحقیق حاضر را تنظیم نموده است.

شکنجه به عنوان مصداق بارز تجاوز به حقوق بشر، موضوع مستقیم و غیرمستقیم اسناد متعددی است که از سوی سازمان ملل متحد و شورای اروپا تنظیم و تصویب شد. به تأسی از آن دو نهاد، قوانین کیفری غالب کشورهای نیز معطوف به این جنایت ضدبشری گردیده و بر جریمه‌گذاری و مجازات مرتکب آن تصریح نموده است. بالطبع تأمل در آرای اندیشمندان حقوقی که راهنمای منشیان قوانین ملی و تنظیم‌کنندگان اسناد بین‌المللی بوده در تحلیل حقوقی شکنجه اجتناب‌ناپذیر است. لذا بررسی دکترین حقوقی وارد در موضوع شکنجه، دیگر نام‌افزا تحقیق حاضر است. به علاوه نگاه «تطبیقی» به شکنجه در حقوق ایران، حقوق سازمان ملل، حقوق اروپا در روش بررسی مقایسه‌ای و تحقیق حاضر رعایت شده است.

مطالب این پژوهش در دو بخش تهیه شده است. در بخش اول، سیاست جرم‌انگاری شکنجه بررسی می‌شود. با توجه به اینکه گستره موضوع پژوهش فراتر از سرزمین ایران می‌باشد، در دو مبحث، سیر تاریخی - تقنینی شکنجه در ایران و اروپا - ملل دیگر مطالعه می‌شود. همین‌طور در فصل دوم بخش نخست ماهیت کیفری شکنجه و انواع آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

در بخش دوم، سیاست جنایی کنترل شکنجه به بحث گذاشته می‌شود. در فصل نخست علل شکنجه و چگونگی مقابله با آن و در فصل دوم نهادهای رسمی مقابله با شکنجه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت به برخی از آرا و رویه‌های نهادهای رسمی به منظور سنجش برخورد آنها با این پدیده اشاره می‌شود.

توزیع مطالب به شیوه مزبور ناشی از تراکم مطالب مربوط به شکنجه و گستره حوزه مطالعاتی که سه مرجع داخلی، منطقه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد، می‌باشد.

در اینجا لازم می‌دانم از همه عزیزانی که با همراهی و نصایح خود در آفرینش این اثر یاریم داده‌اند، به‌ویژه استاد گرانقدر و با محبت جناب آقای دکتر نجفی ابرند آبادی و استاد ارجمند و فاضل جناب آقای دکتر اردبیلی - اساتید محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - صمیمانه تقدیر و سپاسگزاری نمایم. همچنین از معاضدت و مشاوره دوستان ارجمند آقای دکتر منصور رحمدل عضو محترم هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و جناب آقای ملکی مستشار محترم محاکم آیینی کت استان تهران و نیز مساعدت و محبت سرکار خانم منصوری فر بی‌نهایت تشکر می‌نمایم.

امیدوارم تحقیق حاضر تحفه‌ای سره و شایسته بر سر سفره حقوقدانان محترم، قضات، وکلا و علاقه‌مندان به این رشته باشد. همین‌طور از راهنمایی و ارائه طریق پژوهشگران و خوانندگان محترم برخیزم.

سیدعباس موسوی

بهار ۱۳۹۶